



واژه‌شناسی مشارکت مدنی

موسسه دموکراتیک ملی برای امور بین‌الملل



© National Democratic Institute
for International Affairs (NDI) 2009.
Translated by permission.


آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران
<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education
<http://www.eciviced.org>

واژه‌شناسی مشارکت مدنی
(Civic Participation Terminology)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

تدوین: موسسه دموکراتیک ملی برای امور بین‌الملل
(National Democratic Institute for International Affairs (NDI))

نقاشی روی جلد: Light Color Planes... اثر پیت موندریان

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

© E-Collaborative for Civic Education 2014

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative for Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروندی، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیرگرایی و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است. تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداها محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمار صادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari

فهرست مطالب

۷

۹

دیاچه

واژه‌شناسی مشارکت مدنی

دیباچه

«مؤسسه دموکراتیک ملی برای امور بین الملل»^۱ بر پایه ده سال کارورزی با شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی و برای بالا بردن کیفیت و دوام مشارکت شهروندان در روندهای سیاسی، چندین گونه ابزار و رهیافت تدوین کرده است. این واژه‌نامه (glossary) توسط «مؤسسه دموکراتیک ملی» و با همکاری نشریه شهروند لبنانی: آموزش شهروندی و برنامه پشتیبانی^۲، تدوین شده است.

نشریه «شهروند لبنانی» در جهت افزایش فهم شهروندان از اصول دموکراتیک، شناخت آنان از اموری که بیش از همه بر زندگی آنان اثرگذار است و قالب‌بندی مفهومی از آنها و سرانجام گفتگوی متقابل میان شهروندان و کارگزاران دولتی بر سر آن امور، می‌کوشد. ایجاد روح همکاری و گفتگوی احترام‌آمیز از اصول راهنمای نشریه شهروند لبنانی است که برای رسیدن به آن، وجود اصطلاحات مشترک و هم‌رأیی بر سر معنای آنها ضروری است.

این واژه‌نامه بخشی از مجموعه گسترده منتشر شده توسط «مؤسسه دموکراتیک ملی» است که در ضمن، پایه‌ای برای کوشش‌های مؤسسه در جهت پدید آوردن واژگان تازه و سنجیده‌ای برای رساندن مفاهیم اصلی دموکراسی و حکمرانی است. مؤسسه دموکراتیک ملی، این واژه‌نامه را از طریق رایزنی با ستاد مؤسسه در لبنان یا کارگزاران میدانی (field officers) در سراسر خاورمیانه، همچنین گروه «مشارکت مدنی» مؤسسه، تدوین کرده است.

با سپاس ویژه از شهروندان یاور مؤسسه در پروژه شهروند لبنانی که الهام‌بخش این پروژه بودند و

1. National Democratic Institute for International Affairs (NDI)

2. *Citizen Lebanon: Civic Education and Advocacy Program*

همچنین در جریان پیشرفت آن، بازخورد (feedback) های ارزشمندی ارائه کردند. این واژه‌نامه با آنکه در تدوین آن کوشش همه‌جانبه‌ای شده است، به هیچ وجه یک مرجع رسمی و نهایی نیست و به بازخوردهای خوانندگان نیاز دارد. نظرات درباره‌ی واژگان و تأملات در تعریف‌ها و کاربرد آنها و همچنین چگونگی کاربرد آنها در هر منطقه را با روی باز می‌پذیریم و خوانندگان را به آن فرا می‌خوانیم.

واژه‌شناسی مشارکت مدنی

Advocacy

هواداری

فرایند وارد شدن در بحث‌ها، روند کارها و سیاست‌های حکومت. هدایت این فرایند اغلب به دست جامعه مدنی و شهروندان است و دسته‌ای از کنش‌های سازمان‌یافته راهبردی (استراتژیک) در یک دوره را دربرمی‌گیرد که هدف آن، برخورد با مسئله و ایجاد تغییر از راه مشارکت سیاسی است. پیکار هواداری برای حمایت از تغییر را می‌توان در این موارد سازمان داد: تغییر در امکان دسترسی به اطلاعات، فشار آوردن برای پاسخگو بودن و شفافیت، جلب توجه مقامات رسمی به مسائل نهادهای دموکراتیک.

Alien/Non-Citizen

پیگانه

کسانی که در یک کشور به سر می‌برند، اما شهروند قانونی آن کشور به شمار نمی‌آیند و در نتیجه از حقوق و مسئولیت‌های شهروندان برخوردار نیستند.

A

Accountability

پاسخگویی

رابطه میان حکومت و شهروندان. به رسمیت شناختن و بر عهده گرفتن مسئولیت تصمیم‌ها، اقدام‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بر مبنای انتظارات و اختیارات توافق‌شده؛ مانند توافق میان کارگزار منتخب و انتخاب‌کنندگان.

Activist

کنشگر

کسی که با پیکار (campaign) در میان مردم یا کار کردن در یک سازمان، معتقد به دگرگون کردن حکومت یا شرایط اجتماعی از راه کنش مستقیم (direct action) است و در آن شرکت می‌کند.

Ad Hoc Committee

کمیته موردی

کمیته‌ای که می‌تواند برای برخورد با یک مسئله یا رویداد خاص تشکیل شود، بی‌آنکه مسئولیت پایدار داشته باشد.

Autonomy خودگردانی
استقلال سیاسی و خودفرمانی (self-government)، توانایی عملکرد، بدون کنترل بیرونی. اختیار تصمیم‌گیری آگاهانه و بی‌اجبار.

B

Bias گرایش‌داری
گرایشی به سود یا به زیان چیزی یا کسی با جانبداری یا تعصب.

Bicameral Parliament پارلمان دومجلسی
دومجلسی (bicameralism) عبارت است از وجود دومجلس قانون‌گذاری در نظام سیاسی. بدین‌سان، پارلمان دومجلسی یا قانون‌گذاری دومجلسی از دو مجلس قانون‌گذاری تشکیل می‌شود.

Bill لایحه
پیشنویس قانون که هنوز به تصویب نرسیده است.

Bipartisan دو حزبی
تشکیل شده از دو حزب، به‌ویژه دو حزب عمده، یا پشتیبانی شده از سوی آنها.

Bloc هم‌بستگان
گروهی با چشم‌داشت‌ها یا جهت‌گیری‌های همسان. گروهی از رأی‌دهندگان یا سیاستمداران هم‌پیمان یا شریک در یک هدف.

Board of Directors هیئت مدیره
هیئت گردانندهٔ یک سازمان جامعهٔ مدنی، که انتخابی و داوطلبانه است و کسانی در آن شرکت دارند که پایبند به رسالت سازمان هستند. مسئولیت‌های اعضای هیئت می‌تواند شامل هدایت نقشهٔ راهبردی (استراتژیک) سازمان باشد یا شرکت در تصمیم‌گیری‌های راهبردی دربارهٔ فراهم کردن پول (fundraising)، کارگزاری و پیکار هواداری.

Briefing گزارش کوتاه
خلاصه‌ای کوتاه و روشن از یک وضعیت یا رویداد. گزارش کوتاه می‌تواند به صورت دیدار

Alliance هم‌پیمانی
پیوند میان گروه‌ها، مردمان یا ملت‌هایی که در بارهٔ رسیدن به یک هدف مشترک با یکدیگر هم‌رأی هستند. هم‌پیمانی اغلب به صورت یک موافقت‌نامهٔ رسمی است.

Alternative Process فرآیند جایگزین
فرآیند تصمیم‌گیری برای تغییر به سیاست‌هایی که یکسره بیرون از روند رسمی بیان شده در قانون هستند و در اسناد سیاست‌گذاری سازمان ثبت شده است.

Association انجمن
گروهی از افرادی که پیرامون ایده یا آرمان مشترکی گرد می‌آیند، خواه به صورت رسمی یا غیررسمی در یک سیستم سیاسی سمتی داشته یا نداشته باشند. انجمن‌ها سازمان‌های جامعهٔ مدنی تلقی می‌شوند که می‌تواند سازمان‌های غیردولتی یا اتحادیه‌های کارگری را شامل شود.

Auction آکشن
یکی از روش‌های فراهم کردن پول (fundraising) که در آن اشیاء یا خدماتی برای فروش هدیه می‌شود و خریداران بر سر بهای هر یک از آنها با یکدیگر به رقابت برمی‌خیزند. کسی که بیشترین بها را پیشنهاد کند خریدار آن می‌شود. پولی که این‌گونه گردآوری می‌شود، با کسر هزینه‌های برگزاری آکشن، سودی است که گروه راه‌انداز آن می‌برد.

Audience پیام‌گیران
گروه یا مردمانی که اطلاعی به آنها می‌رسد یا پیامی را دریافت می‌کنند.

Authority اختیارداری
ویژگی‌ای که سبب می‌شود داوری‌ها، تصمیم‌ها و دستورهای افراد یا نهادهایی مقبول انگاشته شده و داوطلبانه پذیرفته شود و بنابراین، دیگران با فرمانبری یا همکاری، آنها را به اجرا گذارند. اختیارداری سرچشمهٔ اصلی قدرت سیاسی است، اما با آن یکی نیست؛ برای مثال، دولت می‌تواند اختیاردار اصلی باشد و بنابراین آماج پیکار هواداری باشد.

گروهی باشد یا مجموعه نوشتاری.

Budget Monitoring

دیده‌بانی بودجه

یک پیشرفت به نسبت تازه که کوشندگان یا سازمان‌های جامعه مدنی از آن طریق جریان بودجه‌بندی حکومت را دنبال می‌کنند. این کار یکی از وسایل تقویت پاسخگویی دولت و کاستن از فساد در دستگاه مدیریت مالیه عمومی به شمار می‌آید.

By-Law

آیین‌نامه داخلی

قوانین یا قاعده‌های اداره امور داخلی یک سازمان. یک قانون درجه دو.

پیشگامی می‌کند. نقش نامزد آن است که با رأی‌دهندگان و کسانی که توانایی یاری مالی به پیکار را دارند، دیدار کند و آنان را به پشتیبانی از نامزدی خود برانگیزد.

Canvass

محلله‌گردی

گونه‌ای ارتباط یافتن با شهروندان است. به این ترتیب که سازمان‌دهندگان پیکار یا داوطلبان، خانه به خانه و آپارتمان به آپارتمان می‌روند و با شهروندان رو در رو سخن می‌گویند. این می‌تواند یکی از برانگیزاننده‌ترین روش‌ها برای جلب اعتماد و پشتیبانی باشد، اگرچه وقت و کار زیاد می‌برد.

Caucus

جرگه

دیدار رهبران حزبی یا سازمان‌های شهروندی که هدف آن می‌تواند نشان دادن همبستگی درباره مسئله‌ای خاص باشد (که هر یک به تنهایی به آن می‌پردازند) یا برگزیدن نامزدی برای یک سمت.

Characteristics of Message پیام

ویژگی‌های پیام پیام پیکار می‌باید فشرده، درست و باور کردنی، برانگیزاننده و به آسانی به یاد سپردنی و برای شهروندان مهم باشد. پیام خوب دل‌انگیز است و جهت‌دار و باید تکرار شود.

Change Agent

دگرگون‌ساز

فرد یا گروهی که می‌تواند با جاذبه شخصی، بحث و جدل و روش‌های دیگر، در دیگران نفوذ کند و آرای عمومی را در جهت برانگیختن اجتماع به تغییر یا تغییر دادن یک روند سیاسی، دگرگون کند.

Charter

منشور

اصول راهنما و بیان سیاست‌ها درباره ماهیت کار یک سازمان، انجمن یا ائتلاف جامعه مدنی.

Citizen

شهروند

فردی که در کشوری به شهروندی پذیرفته شده یا در آن زاده شده است، به اقتدار سیاسی و قضایی دولت وفاداری نشان می‌دهد و از این رو، از حقوق و حمایت‌های قوانین آن، از جمله حق مشارکت سیاسی، برخوردار است.



Campaign

پیکار

فعالیت سیاسی، شامل نشست‌ها، گردآمدن‌های خیابانی، سخنرانی‌ها، تظاهرات، رژه رفتن و رویدادهای دیگر و به کار گرفتن رسانه‌ها برای آگاه کردن شهروندان یا حکومت از خواسته‌های یک سازمان خاص مدنی، یک ائتلاف یا گروهی از شهروندان، برای جلب پشتیبانی آنها.

Campaign Donation

دهش به پیکار

دادن پول برای یاری مالی به یک پیکار سیاسی یا مدنی. دهش به پیکار بر دو گونه است؛ اول «دریافت پول بر اساس مقررات» که قوانین مالی پیکار شرایط آن را معین کرده است؛ دوم «دریافت پول بیرون از مقررات»، که تابع قوانین مالی پیکار نیست. از نوع دوم نمی‌توان برای پشتیبانی از نامزدی کسی برای دستیابی به سمتی در نظام فدرال استفاده کرد.

Campaign Plan

نقشه پیکار

سند نوشتاری که پژوهش‌های اساسی، هدف‌گیری‌ها، پیام و راهبرد (استراتژی) پیکار هواداری را گرد هم می‌آورد. این سند را باید در آغاز پیکار بر روی کاغذ آورد و شیوه رسیدن پیکار به هدف خود را گام به گام در آن شرح داد.

Candidate

نامزد

کسی که برای دستیابی به یک جایگاه انتخابی

جمعی، حکومت و امور سیاسی ست.

Civic Engagement

تعهدپذیری مدنی

درگیری شهروندان یا سازمان‌های مدنی با فرایندهای سیاسی و اجتماعی یا پایبندی به آنها برای دست یافتن به حقوق و اجرای مسئولیت‌های خود.

Civic Journalism

خبررسانی مدنی

رسانه حرفه‌ای که بیشتر نگران بهره‌مندی‌های شهروندان است تا سیاستمداران و روزنامه‌نگاران. بنیاد آن بر درک این نکته است که ژورنالیست‌ها در تقویت فرهنگ شهروندی و دموکراسی مسئولیت اساسی دارند. خبررسانی مدنی در پی آن است که شهروندان چگونه مسائل خود را قالب‌بندی می‌کنند و چه راه حل‌هایی برای آن می‌شناسند.

جنبش خبررسانی مدنی در انتخابات ۱۹۸۸ در ایالت متحد آمریکا آغاز شد. در این هنگام ژورنالیست‌ها و دانشوران به جستجوی راه‌های بهتری برای پوشش دادن خبرهای سیاسی برآمدند. اکنون روزنامه‌ها، رادیوها و تلویزیون‌ها در بسیاری از بخش‌های جهان روش‌های ایشان را به کار می‌بندند.

Civil Liberties

آزادی‌های مدنی

سپهرایی در برابر قدرت دولت. از نمونه‌های آن آزادی گفتار، آزادی تجمع و حضور هیأت منصفه در محاکمه است. قانون اساسی اغلب از آزادی‌های مدنی حمایت می‌کند.

Civil Registry

آمارنامه شهروندان

فهرستی از همه شهروندان که در دست حکومت است. آمارنامه شهروندان گاهی پایه فهرست رأی‌دهندگان قرار می‌گیرد، هرچند همه اطلاعات مربوط به فرایند رأی‌گیری در آنها نباشد.

Civil Society

جامعه مدنی

جامعه مدنی همه انواع کوشش جمعی سازمان‌یافته حول چشم‌داشت‌ها، ارزش‌ها و خواسته‌های مشترک را در برمی‌گیرد. کوشش‌های جامعه مدنی می‌تواند بسیار گوناگون باشد، شامل فراهم کردن خدمات، پشتیبانی از آموزش مستقل یا اثرگذاری در سیاست حکومت. در مورد آخر، شهروندان ممکن است

Citizen Journalism

خبررسانی شهروندانه

کنش مردمان غیر حرفه‌ای در باب گردآوری، گزارشگری، تحلیل و پخش اخبار و اطلاعات. خبررسانی شهروندانه رسانه‌های گوناگون را به کار می‌گیرد، از جمله وبلاگ‌نویسی، اس.ام.اس. یا فرستادن فوری متن خبر با اینترنت تلفن همراه، پیام اینترنتی فوری (twitter)، عکس‌برداری، ویدئو و وسایل خبررسانی سنتی. شبکه‌های بزرگ سخن‌پراکنی (broadcasting)، مانند الجزیره، بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان، پروژه‌های خبررسانی شهروندانه به راه انداخته‌اند.

Citizen Jury

گروه‌مایی شهروندی

شکلی از دموکراسی رایزانه (deliberative) که گروه‌های کوچکی از مردم را گرد هم می‌آورد تا به گزارشی درباره موردی از سیاست‌گذاری یا قانون‌گذاری گوش بسپارند و در آن مورد به بحث بپردازند و داوری کنند. هدف این گونه گرد هم آوردن‌ها آگاه کردن مردم از پیکار هواداری در یک مورد خاص است یا آگاه کردن از تصمیم‌گیری‌های مقام‌های دولتی در باب مسائل پیچیده سیاسی. همچنین نگاه کنید به «دموکراسی رایزانه» و «هواداری».

Citizenship

شهروندی

حق هویت ملی که یک دولت به کسانی که در خاکش زاده شده‌اند، می‌بخشد یا به کسانی که درخواست آن را دارند و در برابر، از آنان وفاداری به پیمان شهروندی (citizen allegiance) می‌طلبند.

Civic Education

آموزش شهروندی

برنامه‌هایی برای شناساندن مقررات اساسی و جنبه‌های نهادینه یک نظام سیاسی دموکراتیک، که درباره حقوق و شیوه رفتار دموکراتیک، مانند فهم حقوق درج شده در قانون اساسی، برابری جنسیتی و کنش جمعی آگاهی می‌بخشند. شهروندان با فهم بهتر حقوق اساسی خود و فنون سازمان‌دهی اجتماعی، بهتر می‌توانند در حکومت مشارکت کنند. غایت برنامه‌های آموزش شهروندی، آموزش دانش و مهارت‌های لازم برای شرکت کارآمد در زندگی

موردی درباره امور مربوط به قلمرو کارشناسی خود به بحث می‌پردازند. کمیسیون‌ها اختیارات مدیریتی یا نیمه‌قضایی برای جواز دادن به برخی فعالیت‌ها یا احضار شاهدان دارند. حکومت‌ها برای بررسی مسائل ملی به شکل‌های سازمان‌یافته کمیسیون‌ها روی می‌کنند که اغلب «کمیسیون تحقیق» نامیده می‌شوند. این شکل از ساختار قانونی را می‌توان در برابر «شورا» قرار داد که از اختیارات نیمه‌قضایی و مدیریتی برخوردار نیست.

Community

اجتماع

وضعیت با هم بودن یا یک جا قرار داده شدن. از دیدگاه مشارکت، جماعت حاضر در یک فضا (جمعی از مردم که در یک ناحیه زندگی یا کار می‌کنند) را می‌توان اجتماع نامید. چنین جمعی، گرد آمدن در هر اندازه مکانی، از فضای محلی گرفته تا فضای جهانی را دربرمی‌گیرد.

Community Based Organization

سازمان جامعه‌محور

سازمانی بر پا شده از افراد، به صورت یک اجتماع تعریف شده از سوی آنان، که خود را بر گرد خواسته‌های مشترک سازمان می‌دهد. نمونه‌های آن باشگاه‌های ورزشی، جوانان، دانش‌آموزان، گروه‌های زنان و انجمن‌های تعاونی کشاورزان است. این گونه اجتماع‌ها می‌توانند انجمن‌های غیررسمی باشند یا انجمن‌هایی با آیین‌نامه‌ها، سیاست‌ها و رویه‌های رسمی.

Community mapping

نقشه‌برداری اجتماع

ابزاری است برای ارزیابی شبکه اجتماعی و تعیین ثروتمندان و قدرتمندان در یک اجتماع. سازمان‌های مدنی اغلب این روش گردآوری اطلاعات را برای تعیین نیازهای اجتماع، شناخت دارایی‌ها و سرمایه‌ها و بهرمندان از آن به کار می‌برند تا بتوانند واکنش‌های درست، از جمله پیکار هواداری را طرح‌ریزی کنند.

Community Needs

نیازهای اجتماع

نیازهای نخستین یا دل‌نگرانی‌های گروهی از شهروندان در یک گروه‌بندی جغرافیایی، جمعیتی، یا هر طبقه‌بندی دیگر. از راه نقشه‌برداری اجتماعی

بیرون از فضای حاکمیت دولت برای اطلاع‌رسانی، فشار وارد آوردن بر حکومت یا تقویت برخی سیاست‌گذاری‌ها (تنبیه سیاست‌گذاران یا تشویق آنها) گرد هم آیند.

Civil Society Organization

سازمان جامعه مدنی

مردمانی را دربرمی‌گیرد که برای کوشش در جهت یک خواسته مشترک انجمن می‌سازند، شامل سازمان‌های ناوابسته به حکومت (Non-Governmental Organizations) یا (NGOs) و سازمان‌های جامعه‌محور (Community Based Organizations یا CBOs) که هر دو از انواع ویژه سازمان‌های جامعه مدنی هستند. این سازمان‌ها اگرچه بسیار گوناگون هستند، اما آنچه میان همه آنها مشترک است خودگردانی آنها و استقلال آنها دست کم از حکومت و بخش خصوصی است. همین استقلال است که به این سازمان‌ها اجازه می‌دهد که حضور داشته باشند و در نظام دموکراسی نقشی مهم داشته باشند. همچنین نگاه کنید به «سازمان ناوابسته به حکومت» و «سازمان جامعه‌محور».

Coalition

ائتلاف

هم‌پیمانی موقت یا دائمی میان افراد یا سازمان‌های گوناگون در راه یک آرمان مشترک یا برای دست زدن به کوشش جمعی که کانون آن هواداری از تغییر حکومت است.

Code of Ethics

اصول اخلاقی

دسته‌ای از قاعده‌های کلی رفتاری در سازمان‌های جامعه مدنی برای اعضای و هواداران در مورد چگونگی شرکت در سازمان یا کوشش‌های آن. طرف‌های درگیر در این کوشش‌ها از نظر آرمانی درباره آن اصول نخست موافقت داوطلبانه دارند و سپس می‌توانند آنها را در قانون بگنجانند. اصول اخلاقی بیانگر رهنمودهای رفتاری و معیارهایی است که به آسانی نمی‌توان در یک منشور گنجانند.

Commission

کمیسیون

گروهی رسمی از کارشناسان که به صورت ثابت یا

Consolidation of Democracy**استوار کردن دموکراسی**

روندی است که با آن دموکراسی در میان شهروندان به چنان گستردگی و عمقی از مشروعیت برسد که بر هم زدن آن ناممکن شود. دموکراسی هنگامی استوار می‌شود که اکثریت شهروندان، آن را تنها میدان بازی سیاسی در کشور بدانند. استوار کردن دموکراسی می‌باید با چنان دگرگونی‌های رفتاری و نهادینی همراه باشد که سیاست‌ورزی‌های دموکراتیک را به هنجار در رفتار بدل کند و شک و تردید در آن را به کمترین پایه برساند. هنجاری کردن دموکراسی به معنای گسترش میدان دسترسی شهروندان به نهادهای دموکراتیک، پروراندن روح و فرهنگ شهروندی دموکراتیک، امکان به میدان آوردن رهبری هرچه گسترده‌تر از میان جامعه مدنی بالغ و مهم‌تر از آن، توسعه سیاسی است. استوار کردن دموکراسی به معنای خو گرفتن مردم به هنجارها و روندهای حل و فصل دموکراتیک کشاکش‌ها است. نهادها هرچه بیشتر ریشه بدوانند و عادی‌تر شوند دموکراسی استوارتر خواهد شد.

Constituency**حوزه انتخاباتی**

بخشی از جمعیت که یک رهبر یا سازمان انتخاب شده، نمایندگی آنها را به عهده دارد.

Constituent**رأی‌مند**

شهروندی که در حوزه نمایندگی یک عضو مجلس قانون‌گذاری زندگی می‌کند. رأی‌مندی که در یک سازمان جامعه مدنی عضویت دارد ممکن است در محل فعالیت سازمان ساکن باشد و یا در اموری که سازمان از آنها هواداری می‌کند با آن هم‌دلی کند.

Constitution**قانون اساسی**

دسته‌ای از قاعده‌های بنیادی در یک دولت که دستگاه حکومت بر اساس آنها سازمان می‌یابد و روابط میان دستگاه‌های قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی تنظیم می‌شود.

Contingency**بودجه هزینه‌های جاری**

درصدی از بودجه که برای مورد خاصی تخصیص

می‌توان به شعارهای سیاسی ممکن برای اصلاح وضع آنها رسید.

Community Organization**اجتماع سازماندهی**

روش‌های فراهم کردن پول و فعالیت پیرامون مسئله یا آرمانی که شمار بزرگی از مردم خواهان اقدامی درباره آن هستند. هدف بلندمدت این کار برپا کردن جنبش‌های پایدار شهروندمحور برای بهبود کیفیت زندگی و تقویت محیط دموکراتیک است.

Competition**رقابت**

فرایند درگیری گروه‌ها و انتظارات گوناگون با یکدیگر. رقابت از راه کردار دموکراتیک مشروعیت می‌یابد (یکی از بهترین مثال‌های آن، انتخابات است) و می‌تواند راه‌حل‌ها و شعارهای سیاسی کارآمدتری به دست دهد که به نیازهای جامعه بهتر پاسخ دهند.

Conflict of Interest**تعارض انتظارات**

وضع‌ای که در آن کسی که امانتدار یا اختیاردار جایگاهی است، انتظارات حرفه‌ای یا شخصی متعارض داشته باشد که بر اثر آن نتواند وظایف خود را به آسانی بی‌طرفانه انجام دهد. تعارض انتظارات می‌تواند بدون آنکه هیچ رفتار غیراخلاقی یا ناشایست از شخص سرزده باشد، وجود داشته باشد، اما می‌تواند نمایی از ناشایستگی به آن جایگاه دهد که سبب سلب اعتماد از آن شخص یا مقام یا سمت شود. از نمونه‌های آن کاری است که هیئت مدیره‌ای یا کارکنانی در یک سازمان مدنی به نام سازمان یا ائتلاف، اما به سود شخص سومی انجام دهند. آنچه از تعارض احتمالی انتظارات می‌تواند پیشگیری کند رهنمودهایی است که به روشنی در آیین‌نامه‌ها و یادداشت‌های تفاهم بازگفته شده باشند.

Consensus**هم‌رأیی / توافق**

موافقتی کلی در پی گفتگو و با در نظر گرفتن نظرات همه طرف‌های گفتگو و آشتی دادن استدلال‌های مخالف. توافق (هم‌رأیی) به معنای یک‌رأیی یا موافقت مطلق (unanimity) نیست، بلکه راهی است برای تصمیم‌گیرندگانی که می‌خواهند همه نظرها را دربرداشته باشند و همه اختلاف‌ها را برطرف کنند.

Decision-Maker تصمیم‌گیرنده
کسی که اختیار ایجاد یا دگرگون کردن سیاست‌ها، برنامه‌ها یا قوانین اجتماعی، سازمانی یا حکومتی را دارد.

Delegate فرستاده / نماینده
• کسی که اجازه دارد به عنوان نماینده کسی دیگر یا در مقام جانشین یا کارگزار عمل کند یا با داشتن سمت نمایندگی در یک کنفرانس یا کنوانسیون شرکت کند.

• در نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا: نمایندگانی که اغلب در جرگه‌های ایالتی یا انتخابات نخستین برای انتخاب نامزد ریاست جمهوری برگزیده می‌شوند و مسئولیت آنان برگزیدن نامزد حزب و معاون او در انتخابات ریاست جمهوری در کنوانسیون‌های چهارساله است. از بیشتر این فرستاده‌ها می‌خواهند که از نامزد خاصی حمایت کنند. برای آنکه کسی نامزد برگزیده حزب در انتخابات ملی شود، می‌باید اکثریت هیئت‌های نمایندگی ایالت‌ها به او رأی داده باشند.

Delegation اختیار سپاری
واگذاری تصمیم‌گیری در امور عمومی به رده‌های پایین‌تر حکومت، به سازمان‌های جامعه مدنی یا هر مرجع دیگری بیرون از ساختار همیشگی مدیریت سیاسی برای اجرای برنامه‌ها از طرف حکومت.

Deliberative Democracy دموکراسی رایزنانه
اساس این اصل این است که دموکراسی مشروع را رایزنی همگانی شهروندان پدید می‌آورد. فعالیت‌های همراه با این فرایند عبارتند از تشکیل هیأت منصفه شهروندان، دیدارهای شهروندان در تالارهای عمومی شهر، مناظره در فضای همگانی و عرصه‌های مباحثه‌های مدنی.

Democracy دموکراسی / مردم‌سالاری
نظامی سیاسی که در آن مردم در هدایت فعالیت‌های دولت شرکت دارند، در برابر حکومت‌هایی که در دست یک طبقه خاص، یک گروه برگزیده یا یک یک‌سالار قرار دارند. تعریف دموکراسی تا بدان جا گسترش یافته است که دلالت دارد بر فلسفه‌ای که

داده نشده و می‌توان آن را برای هزینه‌های پیش‌بینی نشده یا افزودن بر هزینه‌های در نظر گرفته نشده در بودجه اصلی، صرف کرد.

Counterpart, Peer همپایه
کسی که در یک گروه نسبت به دیگری در یک تراز قرار دارد و نقشی همانند وی دارد.

Court دادگاه
بخشی از حکومت که کار آن اجرای قوانین مدنی و جزایی است. همچنین جلسه یک هیئت رسمی است برای رسیدگی به برخی پیشامدها، حل و فصل دعاوی یا دیگر تصمیم‌گیری‌های حقوقی.

Credibility اعتبار
نظر مثبت یا منفی شهروندان نسبت به یک سازمان مدنی یا یک پیکار. اعتبار از راه‌های گوناگون حاصل می‌شود، از جمله ثبت و اعلام پیاپی کنش‌های به اثبات رسیده، آبرومندی در یک اجتماع از راه وابستگی‌های خویشاوندی و قومی یا شکل‌های دیگر ارشدیت، مانند ارشدیت سنی یا جنسیتی. پیکارها می‌توانند با بیرون دادن پیام‌های اثرگذار و رویارو نهادن و با هم سنجیدن کارهای خود و دیگران بر اعتبار خود بیفزایند و از اعتبار حریفان خود بکاهند.

D

Debate مناظره
مباحثه رودررو میان شهروندان، نامزدها و یا کارگزاران انتخاب شده که طرف‌های درگیر در یک بحث در آن حضور دارند و از نظرهای خود دفاع می‌کنند. مناظره می‌تواند در هر سطحی از حکومت یا اجتماع روی دهد و یکی از تاکتیک‌های پیکار هواداری باشد.

Decency ادب‌ورزی
درجه‌ای از ساخت و پرداخت مقررات و پاسداری از آنها که به کسی آسیب نرساند یا کسی را کوچک نشمارد. این مفهوم اغلب هنگامی به کار می‌آید که قانون‌گذاران در پی اصلاح سیاست‌ها یا در پیش گرفتن سیاست‌های تازه‌اند.

فرایند را ندارد.	پایه آن بر حق و توانایی مردم است بر نظارت بر نهادهای خود، چه مستقیم چه از راه نمایندگی، برای هدایت آنها در جهت خواسته‌های خود.
Election Monitor/Observer ناظر انتخابات شخصی که در نظارت انتخاباتی شرکت دارد. نظارت می‌تواند داخلی یا بین‌المللی باشد.	Disclosure افشا کردن بخش کردن، انتقال دادن، در دسترس قرار دادن یا به هر شیوه دیگر فاش کردن اطلاعاتی که در اختیار دستگاهی خاص قرار دارد.
Elector/Voter رأی‌دهنده شخصی که از حق رأی برخوردار است و برای آن نام‌نویسی کرده است.	Disenfranchise(ment) محرومیت از حق رأی بازپس گرفتن آشکار یا ناآشکار حق رأی شخص یا گروهی از مردم یا ناتوانی در دادن رأی.
Electoral/Election Commission هیأت گرداننده انتخابات مرجعی که مسئول اداره فرایند انتخابات و نظارت بر آن است.	Districting حوزه‌بندی فرایند تعیین یا بخش‌بندی حوزه‌ها؛ برای مثال، بخش‌بندی حوزه‌های انتخاباتی برای انتخاب نمایندگان قوه مقننه.
Electoral Commissioner انتخابات‌گردان فردی که مأمور است مراقبت کند که انتخابات، مطابق قانون آن، عادلانه و بی‌طرفانه انجام شود. همچنین ترتیب کارهای هیأت گرداننده انتخابات را چنان بدهد که به هدف‌های خود برسد و مسئولیت‌های قانونی و کارهای گزارشی آن همه انجام شود؛ با برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخش درباره کردارهای انتخاباتی مردم را هشیارتر کند؛ درباره مسائل انتخاباتی پرس و جو کند و در امور انتخاباتی، رایزن اعضای قوه قانون‌گذاری، حزب‌های سیاسی باشد.	Diversity گوناگونی وضعیتی که در آن، از نظر دینی، سیاسی، نژادی یا هر مورد دیگر، چشم‌اندازهای گوناگون وجود دارد.
Electoral Law قانون انتخابات قانون یا مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر فرایند انتخابات.	E Efficiency کارایی ویژگی‌هایی مشارکتی که با صرف کمترین کوشش، وقت یا منابع، در جهت بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی شهروندان بیشترین نتیجه را می‌دهد.
Electoral list/Electoral Roll/Voter's List فهرست رأی‌دهندگان فهرستی از نام و دیگر ویژگی‌های شخصی افرادی که دارای مشخصات رأی دادن هستند. در جریان رأی‌گیری، از این فهرست به عنوان سندی برای کنترل استفاده می‌شود.	Election انتخابات فرایندی برای تصمیم‌گیری که شهروندان یک دولت که حق رأی دارند از راه آن فرد یا گروهی از افراد را برای در دست گرفتن مقام دولتی و انجام امور به نمایندگی از جانب آنان، انتخاب می‌کنند.
Electoral Participation مشارکت انتخاباتی درصدی از رأی‌دهندگان که رأی خود را به صندوق می‌ریزند نسبت به کل کسانی که حق رأی دارند.	Election Day/Polling Day روز انتخابات روزی که رأی‌دهندگان به پای صندوق‌های رأی می‌آیند تا رهبران خود را انتخاب کنند.
	Election Monitoring/Observation نظارت بر انتخابات گردآوری اطلاعات درباره یک فرایند انتخاباتی به دست سازمانی که در اصل اجازه دخالت در این

حق رأی و دسترسی به دادگاه؛ بهرمندی از حقوقی طبیعی که جامعه‌های متمدن برای انسان پذیرفته‌اند؛ بهرمندی از حقوق بشر که حمایت‌کننده مردم است در سراسر جهان در برابر ترور، شکنجه، رفتارهای وحشیانه و بی‌بهرگی از حقوق مدنی و حاصل کار خود.

برابری حق رأی Equal Suffrage

اصلی که بنا بر آن، هر کسی برخوردار از یک حق رأی است (یک فرد، یک رأی).

عدالت Equity

اصل عدالت چنین می‌طلبد که در جریان رأی‌گیری، همه دارندگان حق رأی، گروه‌ها و حزب‌های سیاسی، فرصت برابر داشته باشند. دسترسی به صندوق رأی و شفافیت جریان رأی‌گیری نیز بخشی از آن است.

صاحبان نفوذ Establishment

عنوانی است برای افراد یا گروه‌های قدرتمند، از زمره نخبگان که می‌توانند تصمیم‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مهم برای جامعه بگیرند.

F

زمینه‌ساز Facilitator

کسی که به گروهی از مردم یاری می‌کند تا هدف‌های مشترک یکدیگر را درک کنند و برای رسیدن به آنها برنامه‌ریزی کنند بدون آنکه در تصمیم‌گیری‌های آنها دخالتی کند.

زمینه‌سازی Facilitation

ایجاد فرصت‌هایی برای آموزش با پرداختن به چه‌گونگی فعالیت‌ها و پیش بردن مشارکت و اندیشیدن به آنها. زمینه‌سازی هدف‌نگر است و شرکت‌کنندگان را هدایت می‌کند اما آنها را به جهت خاصی نمی‌راند. گروه‌های شهروندی اغلب فنون زمینه‌سازی را برای نمودار کردن خواسته‌های شهروندان در روندهای سیاسی به کار می‌گیرند.

فرایند انتخابات Electoral Process

گام‌های آماده‌سازی جریان انتخابات و اجرای آن. این جریان معمولاً با اعلام انتخابات آغاز می‌شود و تصویب قانون انتخابات را دربردارد، سپس نام‌نویسی رأی‌دهندگان و نامزدان، پیکار انتخاباتی، رأی‌گیری، جدول‌بندی رأی‌ها تا اعلام نتیجه‌های آنها.

نظام انتخاباتی Electoral System

ترکیبی از روش‌ها و سازوکارهایی که به انتخابگران امکان می‌دهد که رأی خود را به صندوق‌ها بریزند و رأی‌ها سرانجام در قالب کرسی‌ها در پارلمان یا قوه قانون‌گذاری درآیند.

انتخابگران Electorate

آن بخشی از جمعیت که می‌توانند در یک انتخابات رأی دهند.

دارنده حق رأی / رأی‌دار Eligible Voter

کسی که از مشخصات قانونی شرکت در انتخابات بهرمنند است، که معمولاً عبارت است از هویت ملی، سن، سلامت روانی و نداشتن پیشینه کیفری.

تأیید Endorsement

رفتار شخص یا گروه بانفوذی که به یک نامزد یا سیاست، مشروعیت می‌بخشد.

دادن حق رأی Enfranchise(ment)

دادن امتیاز رأی دادن به کسی که دارای مشخصاتی است که دولت برای داشتن حق رأی تعیین کرده است.

فرصت / حقوق برابر Equal Opportunity/Rights

داشتن حق برخورداری از چیزی (به رغم نژاد، جنسیت، قومیت، باور و غیره). راه داشتن به مفهومی مانند عدالت و جریان دسترسی به آن یا حق داشتن دارایی یا بهرمندی از گونه‌ای دارایی، خواه به صورت اموال یا به صورت حق شخصی. داشتن این حقوق آزادی‌های گوناگونی را دربردارد؛ همچنین در امان بودن از هرگونه دخالت که مزاحم بهره بردن از زندگی و دارایی باشد؛ بهره‌مندی از حقوقی مدنی که شهروندان از آن برخوردارند، مانند

Free and Fair Elections**انتخابات آزاد و عادلانه**

تعریف انتخابات آزاد و عادلانه چیزی بیش از بازگفتن یک فرایند فنی ساده را در برمی‌گیرد، چراکه پاسداشت حقوق بنیادی مدنی و سیاسی، از جمله حق آزادی بیان، آزادی رفت و آمد، هم‌نشینی و تأسیس انجمن را نیز شامل می‌شود. همچنان که نبود هیچ مانعی در راه شرکت همه شهروندان، بدون هیچ استثنائی و نیز نبود هرگونه ترس افکنی و ضرورت رفتار بر اساس حاکمیت قانون را دربردارد.

Freedom**آزادی**

وضعیتی سیاسی که به افراد و همچنین به گروه‌ها، برای شرکت در تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای جامعه و سیستم سیاسی، امکان انتخاب آزادانه‌ی کنش می‌دهد.

Freedom of Speech**آزادی بیان**

داشتن فرصت سخن گفتن آزادانه بدون نگرانی از سانسور. حقوق بین‌الملل حق آزادی بیان را از راه چندین تصویب‌نامه تضمین کرده است، از جمله در ماده نوزده «اعلامیه جهانی حقوق بشر». حق آزادی بیان همچنین در قانون‌های اساسی دولت‌ها و سند‌های پایه‌گذار آنها درج شده است.

Fundraiser**فراهم‌کننده پول**

مراسمی که هدف از برگزاری آن فراهم کردن پول برای یک پیکار مدنی یا سازمان است. همچنین در مورد کسی به کار می‌رود که با هر روشی برای پیکار، پول فراهم می‌آورد.

Fundraising**فراهم کردن پول**

هر روشی که برای گردآوری پول برای پیکار به کار رود یا به دست آوردن پشتوانه‌های لازم برای اجرای کامیاب آن.

**General Assembly****مجمع عمومی**

هیأت‌های انتخاب شده (از راه انتخابات یا مأموریت) برای شرکت در اداره یک سازمان

Fairness**دادورزی**

اینکه در یک جامعه قوانین و سیاست‌ها به چه میزان در مورد شهروندان، بدون در نظر داشتن پایگاه اجتماعی آنها، به یکسان کاربرد دارند. اگرچه اندازه‌گیری آن دشوار است، اما این اصل در قانون کوشش‌های سازمان‌هایی مدنی قرار دارد که کار آنها دنبال کردن فعالیت‌های دولت است.

Federal**فدرال**

صفتی است برای توصیف رابطه اتحاد ایالت‌هایی که بر پایه یک قانون اساسی پیرامون یک دولت مرکزی گرد آمده‌اند. در سیستم سیاسی ایالات متحده آمریکا، اتحادیه فدرال در نهایت بر پایه فرادستی ملت است، اما همچنین برای ایالت‌ها اختیاری در نظر گرفته شده است.

Federalism**فدرالیسم**

یک سیستم سیاسی ملی یا بین‌المللی که در آن دو ساحت از حکومت بر یک قلمرو و یک جماعت شهروندی حاکمیت دارد. کشورهای دارای سیستم فدرال هم یک حکومت مرکزی دارند و هم حکومت‌هایی بر پایه واحدهای سیاسی کوچک‌تر که ایالت یا ولایت نامیده می‌شوند. این واحدهای سیاسی کوچک‌تر بخشی از قدرت سیاسی خود را به حکومت مرکزی می‌سپارند تا به سود همگان به کار بندد.

Focus Group**گروه کانونی**

روشی در پژوهش جامعه‌شناختی که در آن گروه کوچکی از مردم را گرد هم می‌آورند و از ایشان سلسله پرسش‌هایی می‌کنند. مراد از این کار آگاهی از چند و چون نگرش‌های همگانی و آزمودن واکنش‌ها به پیام‌ها و اطلاعات گوناگون است.

Forum**انجمن عام**

تاکتیکی برای پیش بردن یک پیکار هواداری یا بالا بردن آگاهی درباره امری مانند جریان یک انتخابات. در انجمن عام افرادی از میان شهروندان یک اجتماع گرد هم می‌آیند؛ از شهروندان عادی گرفته تا سیاستمداران و کارمندان حکومت.

اصلی در قوه قانون‌گذاری را دربرمی‌گیرد. کشورهایی که حزب‌های سیاسی یا گروه‌های دینی و قومی فراوان دارند، حکومت وحدت ملی را شکل بهتری از حکومت برای رسیدن به هم‌رأیی می‌دانند.

Grassroots Activism فعالیت مردم‌محور

فعالیت مردمی هم‌فکر که با انگیزه‌ای بر اساس باور همگانی، گرد هم آمده‌اند. این گونه کوشش‌ها شامل برپا کردن مراسم همگانی، پیکارهای نامه‌نویسی، بخش اطلاعات، درگیر کردن رسانه‌ها و غیره است.

H

Human Resources منابع انسانی

کارکنان یا داوطلبانی که برای یک سازمان مدنی یا یک پیکار کار می‌کنند. مهارت‌ها و تجربه‌های فردی و انباشت آنان بر امکان کامیابی پیکار می‌افزاید. منابع انسانی یکی از سه منبع به هم پیوسته برای پیکار است. دو منبع دیگر عبارت‌اند از منابع مادی و زمان.

Human Rights حقوق بشر

حقوقی که انسان‌ها تنها از آن جهت که انسان هستند از آن برخوردارند، بدون در نظر داشتن رابطه شهروندی، ملیت، نژاد، قومیت، زبان، جنسیت یا توانایی‌های آنان. حقوق بشر هنگامی که به صورت کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها یا پیمان‌ها رده‌بندی شود یا به عنوان حقوق عرفی بین‌المللی شناخته شود، می‌توان برای رعایت آن فشار وارد کرد.

I

Impartiality/Nonpartisanship بی‌گرایشی / بی‌طرفی

برخورد با امور به شیوه عادلانه و بی‌طرفانه. جانبداری نکردن در عمل.

Independents مستقلان

نامزدهای انتخاباتی یا اعضای از پارلمان که به هیچ حزب سیاسی وابسته نیستند.

جامعه مدنی یا انجمن. شرایط عضویت و دامنه تصمیم‌گیری مجمع عمومی را می‌باید منشور سازمان یا آیین‌نامه‌های آن تعیین کنند.

Gender Mainstreaming

ورود جنسیتی به جریان اصلی روند تضمین آنکه در سیاست‌ها و برنامه‌ها، نخستین خواسته‌های مردان و زنان چنان که باید در نظر گرفته شده است؛ و اینکه برای شرکت در محیط‌های شهروندی و سیاسی و دیگر محیط‌های اجتماعی، زنان و مردان حقوق و دسترسی برابر دارند.

Goal هدف

آنچه کوشش هواداری قصد رسیدن به آن را دارد.

GOTV - Get Out the Vote بیرون کشیدن رأی

اصطلاحی است برای یادآوری به رأی‌دهندگان که به پای صندوق‌ها بروند و به نامزدهای خود رأی دهند. پیکارها اغلب درست در روز پیش از انتخابات کوشش فراوانی می‌کنند تا هواداران را به پای صندوق‌های رأی بکشند.

Governance اداره‌گری

کنش اثرگذاری بر مدیریت یک سازمان و دنبال کردن راهبرد درازمدت و جهت‌گیری آن. در کل، اداره‌گری شامل سنت‌ها، نهادها و فرایندهایی است که چه‌گونگی کاربرد قدرت را معین می‌کنند و این که چه‌گونه به شهروندان اجازه داده می‌شود تا حرف خود را بزنند و در مورد آنچه همه نگران آن هستند، چه‌گونه تصمیم گرفته می‌شود.

Government حکومت

نظامی برای اداره اجتماع که در آن، حق قانون‌گذاری و اجرای آنها به گروه خاصی در جامعه واگذار می‌شود. حکومت را به انواعی طبقه‌بندی کرده‌اند. بر طبق یک قاعده کلاسیک، حکومت‌ها را برحسب اینکه در دست یک تن باشند یا چند تن یا اکثریت مردم، از هم جدا کرده‌اند.

Government of National Unity

حکومت وحدت ملی حکومتی که در یک ائتلاف فراگیر همه حزب‌های

Jurisdiction حوزه اختیار
قلمرو جغرافیایی‌ای که یک دادگاه یا دستگاه دولتی بر آن حق و قدرت اقتدارورزی دارد.



Labor Union اتحادیه کارگری
سازمانی از کارگران یک رشته که هدف آن پی‌گیری خواسته‌های جمعی در باب دستمزدها و شرایط کار است.

Law قانون
مجموعه‌ای کلی از قاعده‌ها و مقررات که به دست مقامی به اجرا در می‌آید. قوانین در کل در قالب قانون‌های اساسی، تصویب‌نامه‌های مجلس قانون‌گذاری و آراء قضایی در دسترس هستند.

Law and Order قانون و نظم
اجرای سختگیرانه قانون و ثباتی که بر اثر آن در یک جامعه پدید می‌آید.

Leader رهبر
کسی که بر دیگران فرمان‌روایی دارد یا ایشان را رهنمود می‌دهد یا الهام می‌بخشد. رهبر می‌تواند کسی باشد که مأمور اداره دیگران است یا کسی که اعضای یک اجتماع از او پیروی می‌کنند.

Leadership رهبری
توانایی راه بردن دیگران و در نتیجه به دست آوردن پیروان. توانایی‌های رهبری شامل توانایی نفوذ در دیگران و هدایت پیروان برای رسیدن به هدف‌های سیاسی است.

Leadership Qualities ویژگی‌های رهبری
خصلت‌های ویژه‌ای که مردم انتظار دارند در کسانی که آنان را نمایندگی می‌کنند، ببینند.

Legal Framework چهارچوب قانونی
ساختار فرایند سیاسی شامل انتخابات که اصول قانون اساسی، قوانین، مقررات تکمیلی و قاعده‌های آشکار و پنهان رفتار را دربردارد.

Index of Disproportionality شرح بی‌تناسبی
رقمی است نشان‌دهنده نابرابری نهایی تعداد رأی‌های ریخته شده برای یک حزب در یک انتخابات و تعداد کرسی‌های پارلمانی که آن حزب برده است.

In-Kind Contribution سرمایه‌گذاری
در اختیار گذاشتن فضا و یا اشیاء و یا صرف وقت و تجربه. این گونه دهش‌ها می‌تواند شامل فضای کاری، دادن ناهار یک جلسه، وسایل اداری، کمک‌های فنی یا کار دفتری گاه به گاه باشد.

Interest Groups گروه‌های ذینفع
گروه‌هایی که ویژگی مشترک آنها خواست رخنه کردن در جریان تصمیم‌گیری‌های سیاسی است تا بتوانند به برخی هدف‌ها برسند یا برخی ارزش‌ها را به کرسی بنشانند و گرایش آنها به باز کردن جایی برای خود در فرایند تصمیم‌گیری سیاسی است.

Internal Democracy دموکراسی داخلی
جریان تصمیم‌گیری در درون یک سازمان جامعه مدنی به شیوه کاربست اصول دموکراتیک. هسته این شیوه می‌تواند شامل گفتگو بر سر سیاست‌ها و برپا کردن انجمن‌های عام با شهروندان و نمایندگان حزب‌ها باشد و رأی‌گیری درباره تصمیمات؛ همچنین دوره‌های کارآموزی برای کارکنان در جهت افزایش مهارت‌های آنها در مذاکره، ارتباط‌سازی و مدیریت.

Issue قضیه / مسئله
موضوعی که هواداران یا تصمیم‌گیرندگان دنبال می‌کنند یا به آن دل‌بستگی دارند.



Jargon گویش حرفه‌ای
زبان خاص رایج میان اهل یک حرفه یا صنعت.

Judicial power اختیار قضایی
اختیار بخش قضایی حکومت برای بی‌اعتبار کردن کرده‌های بخش‌های دیگر هنگامی که آن کارها با معیارهای اساسی قانونی همخوان نباشد.

Mandate	اختیاردهی	Legislature	قوة قانون‌گذاری
سفارشی که انتخابگران سیاسی در موردی به نماینده خود می‌کنند یا اختیاری که در آن باره به او می‌دهند و تنها دوره‌ای را دربرمی‌گیرد که آن نماینده در آن سمت است.		هیأت رسمی انتخاب شده یا به صورتی برگزیده شده، که اختیار و مسئولیت وضع قوانین برای یک واحد سیاسی، مانند یک دولت یا ملت را دارد.	
Mass Media	رسانه همگانی	Legitimate Government	حکومت قانونی
هر نشریه مستقلی که خوانندگان فراوان داشته باشد.		پایه هرگونه حکومت آزاد و قانونی، بر اداره کنش‌های متقابل افراد آزاد از راه قراردادهای پذیرفته شده از سوی دو طرف، قرار دارد.	
Material Resources	منابع مادی	Level Playing Field	میدان بازی هموار
دارایی‌هایی مانند پول، تجهیزات، وسایل ارتباط یا ترابری که صورت مادی دارند. این منبع یکی از منابع سه‌گانه به هم پیوسته (شامل منابع انسانی و زمان) است که در هر برنامه‌ریزی پیکار هواداری یا دیگر کنش‌های مدنی می‌باید در نظر گرفت.		دادن فرصت‌های برابر به شرکت‌کنندگان یا بازیگران گوناگون.	
Mayor	شهردار	Leverage	کارسازی
کارگزار اصلی یک شهر که سمت او می‌تواند انتخابی باشد یا انتصابی.		بهره‌گیری از نفوذ یا مقام شخصی برای جلب حمایت و/یا حمایت مالی دیگران و/یا نهادها با کوششی دوسویه.	
Media Access	دسترسی به رسانه‌ها	Lobby	لابی
منظور امور حقوقی مربوط به اینترنت و انواع دیگر ارتباط الکترونیک و امنیت خصوصی در این ارتباطات است که چگونگی کاربرد شایسته این گونه ابزارها را تعریف می‌کند. این گونه ارتباطات شامل ایمیل، ایمیل صوتی، فکس الکترونیکی، صفحات آگهی الکترونیک، دسترسی به کانال‌های تلویزیونی و خدمات آبونه‌ای الکترونیک و غیره است.		کسانی که از یک خواسته مشترک، کسب و کار، اصل یا انتظار منطقه‌ای پشتیبانی می‌کنند؛ گروهی از مردم که می‌کوشند در روند قانون‌گذاری نفوذ کنند.	
Mediation	میانجیگری	Local Election	انتخابات محلی
فرایندی که در آن شخص یا گروهی به صورت زمینه‌ساز بی‌طرف میان دو یا چند طرف، قرار می‌گیرند. در جامعه‌های دموکراتیک سازمان‌های جامعه مدنی و رسانه‌ها می‌توانند چنین نقشی داشته باشند و پلی باشند میان شهروندان و حکومت.		انتخاباتی که در یک منطقه جغرافیایی خاص برای برگزیدن افرادی از میان نامزدها یا تصمیم‌گیری درباره یک مسئله برگزار می‌شود.	
M			
Majority	اکثریت مطلق	Majority System	سیستم اکثریتی
پنجاه درصد به اضافه یک رأی ریخته شده، در برابر اکثریت نسبی یا بیشترین رأی داده شده. نگاه کنید به اکثریت نسبی.		یک قاعده انتخاباتی که بنا بر آن نامزد برنده می‌باید بیش از نیمی (پنجاه درصد + یک) از آراء را به دست آورده باشد.	
Member	عضو		
کسی که داوطلبانه به یک سازمان یا پیکار می‌پیوندد و در ساختار تصمیم‌گیری حقوق و مسئولیت‌هایی دارد. اعضای سازمان‌های جامعه مدنی نقش‌های گوناگونی دارند، از جمله به کار گرفتن			

ارزش‌های خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند یا از تغییر سیاستی هواداری می‌کنند.

داوطلبان، شرکت در جلسه‌های مجمع عمومی و داشتن روابط عمومی.

Networking

شبکه‌بندی

فرایندی که از راه آن برای آگاهی از یک سازمان، قضیه یا جریان روابط تازه‌ای برقرار می‌شود. شبکه‌بندی بخشی اساسی از پیکار هواداری برای شتاب بخشیدن به آن و گسترش مشارکت است.

Message

پیام

مجموعه محدودی از اطلاعات درست که یک نامزد، حزب یا پیکار مدنی به دیگران می‌رساند تا آنان را برانگیزد که در آن جهت دست به عمل بزنند.

Neutral Political Environment

محیط سیاسی بی‌طرف

محیطی سیاسی در جهت پشتیبانی از انتخابات آزاد، عادلانه و باعتبار.

Mission Statement

میراننامه

بیانیه نوشتاری که نیت اصلی یک سازمان مدنی، ائتلاف یا پیکار هواداری و هدف‌های آن را شرح می‌دهد.

Neutrality

بی‌طرفی

نظام یا محیطی که گرایش به هیچ‌گزینه یا نتیجه خاص نداشته باشد.

Mobilization

بسیج کردن

فرایند جمع کردن و برانگیختن شهروندان برای شرکت در سازمان‌یابی مدنی، از جمله پیکارهای هواداری، انتخابات‌ها یا دیگر فعالیت‌های اجتماعی.

Non-Government Organization (NGO)

سازمان ناوابسته به حکومت

سازمانی که به دست ارگان‌های دولتی برپا نشده یا هدایت نمی‌شود. این‌گونه سازمان‌ها در پی سود نیستند و کانون کوشش آنها تقویت فرایندهای سیاسی و نهادهاست و برای گسترش فضای سیاسی و افزایش توان و کیفیت مشارکت مدنی کار می‌کنند. سازمان‌های ناوابسته به حکومت از نظر قانونی سازمان‌های جامعه مدنی به شمار می‌آیند، با حقوق، مسئولیت‌ها و ساختار مدیریتی رسمی و متعهد. همچنین نگاه کنید به «سازمان غیرانتفاعی» و «سازمان جامعه مدنی».

Multiculturalism

چندفرهنگی

این مفهوم اشاره به جامعه‌ای دارد که ارزش میراث‌های فرهنگی گوناگون را به رسمیت می‌شناسد و در پیشبرد سهم هر یک کوشاست؛ سیاست گنجاندن همه فرهنگ‌ها و قومیت‌ها در یک جامعه یا تمدن.

Multi-Party System

نظام چندحزبی

نظامی که در آن بیش از دو حزب بر سر اداره حکومت رقابت می‌کنند. اکثریت نظام‌های دموکراتیک در جهان چندحزبی‌اند.

N

Non-Partisan

هیچ‌حزبی

هنگامی که امری نه به یک حزب خاص بلکه به همه حزب‌های سیاسی مربوط شود. انتخابات هیچ‌حزبی انتخاباتی است که در آن نامزدها به حزب خاص وابسته نیستند و حزب آنان در لیست رأی‌گیری جای ندارد. سازمان هیچ‌حزبی آن است که با هیچ حزب سیاسی همراهی نکند یا به جای یک حزب با حزب‌های سیاسی گوناگون همراه باشد.

Negotiation

مذاکره

روشی از حل مسائل که می‌کوشد نیازهای هر دو طرف یا همه طرف‌های درگیر در یک مسئله را برآورده کند. هرگاه نیازهای همه را نتوان برآورده کرد، مسئله از راه هدف‌نگری حل و فصل می‌شود. این شیوه رفتار یکی از پایه‌های رفتار دموکراتیک و سازمان‌دهی مدنی برای اصلاح سیاست‌ها است.

Network

شبکه

ساختاری ارتباطی که در آن افراد و گروه‌ها

پیش‌بینی نتیجه آن. نظرسنجی همچنین می‌تواند ابزاری باشد در دست سازمان‌های جامعه مدنی، حزب‌ها یا دستگاه اداری حکومت‌ها برای سنجیدن باور مردم نسبت به سیاست‌های دولت یا کوشش‌های اصلاح‌طلبانه.

Opposition اپوزیسیون

حزب سیاسی یا گروه سازمان‌یافته‌ای مخالف گروه، حزب یا حکومتی که قدرت را در دست دارد.

Organization سازمان

در پایه‌ای‌ترین مفهوم سازمان به معنای گروهی از مردم است که با یکدیگر کار می‌کنند و برای دست‌یابی به یک هدف کلی مشترک یا دسته‌ای از هدف‌ها آرایش یافته‌اند. اعضای سازمان معمولاً درباره اینکه سازمان چگونه باید کار کند یا در بهترین حالت چگونه باید باشد، بینشی یا تصویری دارند. افزون بر این، هر سازمانی مأموریت ویژه یا قصدی کلی دارد.

Outreach پیوندجویی

کوشش افراد در یک سازمان یا گروه برای ایجاد پیوند میان ایده‌ها یا کنش‌های خود با کنش‌ها و کوشش‌های دیگر سازمان‌ها، گروه‌ها، مخاطبان خاص یا تمامی مردم. پیوندجویی یکی از وجوه اساسی هر پیکار هواداری کامیاب است.

Overhead سرهزینه

هزینه‌های ثابت عملکرد یک سازمان که بر بودجه آن افزوده می‌شود تا بتواند کار خود را انجام دهد. سرهزینه می‌تواند شامل اجاره محل، لوازم آسایش، لوازم کار، ذخیره‌سازی و ارتباطات باشد.

P

Parallel Vote Tabulation (PVT)

جدول‌بندی موازی آراء

روشی است برای سنجش جداگانه درستی نتیجه‌های انتخابات. برای این سنجش از حوزه‌های رأی‌گیری، نمونه‌های آماری تصادفی گرفته می‌شود و برای آن داوطلبان آموزش‌دیده‌ای را که از جامعه

Non-Partisan Domestic Election Monitoring Organization (or Group)

سازمان (یا گروه) ردگیر انتخابات داخلی بی‌گرایش حزبی

سازمانی داخلی که کار آن ردگیری جریان انتخابات بر پایه بی‌طرفی سیاسی است تا انتخابات به‌درستی جریان یابد و حقوق شهروندان در آن پایمال نشود. چنین سازمانی که از شهروندان کشور تشکیل می‌شود، هیچ نامزدی را پشتیبانی یا طرد نمی‌کند.

Non-Partisan Domestic Election Monitor (or Observer) ردگیر (یا ناظر) انتخابات داخلی

شهروند یک کشور که به عنوان عضو سازمان ردگیر انتخابات، جریان آن را دنبال می‌کند و از جمله به حوزه‌های رأی‌گیری سرکشی می‌کند.

Non-Profit Organization سازمان غیرانتفاعی

طبقه‌بندی ویژه‌ای از سازمان‌های جامعه مدنی که قوانین دولت آن را در رده معاف از مالیات قرار می‌دهد. برای حفظ این امتیاز سازمان‌ها می‌باید خود را با رده‌ای از قوانین و آئین‌نامه‌ها سازگار کنند و سیستم گزارش مالی سالمی داشته باشند.

Non-Violence خشونت‌پرهیزی

دست‌یابی به قدرت سیاسی به صورتی که هرگز آسیب جسمانی به فردی نزنند. خشونت‌پرهیزی فلسفه هدایت‌گر بسیاری از جنبش‌های سیاسی و پیکارهای هواداری است.

O

Objective هدف نزدیک

هر یک از گام‌های تعیین شده برای رسیدن به هدف نهایی. در جنبش هواداری، هدف نزدیک تغییر سیاست‌ها، برنامه‌ها یا دیدگاه‌های حکومت‌ها، نهادها یا سازمان‌ها را دنبال می‌کند تا سرانجام به هدف نهایی دست یابد.

Opinion Poll نظرسنجی

وارسی‌ای در میانه و پیش از انتخابات برای

یا کنشگران دیگر برای پروراندن فهم مشترکی از مسائل و هم‌گامی بر سر برخورد با آنها.

Party حزب

گروهی از مردم که به هم می‌پیوندند از آن جهت که در مورد چگونگی کارکرد حکومت بسیاری ایده‌های مشترک دارند.

Petition دادخواهی

درخواستی از یک مقام، معمولاً یک مقام یا دستگاه حکومتی. دادخواهی یکی از روش‌های گروه‌های شهروندی در پیکار هواداری است و برای آن به جمع‌آوری امضای هم‌اندیشان خود در میان شهروندان می‌پردازند.

Platform گزارش برنامه

گزارش، معمولاً نوشتاری از برنامه یک نامزد انتخاباتی (شامل جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) برای پس از انتخاب شدن. این برنامه پیام پیکار نیست.

Pledge تعهد

قول استوار یا به گردن گرفتن چیزی، مانند یاری رساندن به یک سازمان. پای‌بندی رسمی.

Plurality اکثریت نسبی

بیشترین شمار رأی ریخته شده برای یک نامزد در یک انتخابات، در برابر اکثریت مطلق، یعنی پنجاه درصد به اضافه یک.

Plurality/Majority Systems

سیستم انتخاباتی اکثریت نسبی یا اکثریت مطلق نظامی است که در ایالات متحد آمریکا برای انتخاب کارگزاران محلی، ایالتی و فدرال به کار می‌رود. در این سیستم نامزد برنده می‌باید اکثریت نسبی یا اکثریت مطلق را به دست آورد.

Policy Action کنش سیاست‌گذاری

گام‌هایی که برای برخورد با یک مسئله با دگرگون کردن یا زورمندتر کردن یک سیاست برداشته می‌شود.

مدنی به کار گرفته شده‌اند به حوزه‌های رأی‌گیری می‌فرستند تا همه جنبه‌های رأی‌گیری و رأی‌شماری را زیر نظر داشته باشند. این اطلاعات همراه با نتیجه رسمی شمارش آراء حوزه به مرکز گردآوری اطلاعات فرستاده می‌شود تا چندوچون روز جریان انتخابات ارزیابی شود و بر اساس تحلیل دقیق داده‌های مرکز رأی‌گیری، نتیجه رسمی به دست داده یا درستی آن سنجیده شود.

Parliament پارلمان

مجموعی سیاسی که در آن نمایندگان انتخاب شده درباره قوانین پیشنهاد شده به بحث می‌پردازند و به آنها رأی می‌دهند. واژه پارلمان از سده پانزدهم در زبان انگلیسی رایج است و از زبان فرانسه می‌آید، به معنای «جایگاه سخنگویی».

Participation مشارکت

کنش شرکت در فعالیت‌های یک سازمان جامعه مدنی، یک حزب سیاسی یا یک روند سیاسی؛ داشتن شرایط مشارکت با دیگران در یک کوشش. در یک دموکراسی، مشارکت حق و مسئولیتی است برای شهروندان از راه سازمان‌های جامعه مدنی و/یا حزب‌های سیاسی که به دنبال مسئله‌ای هستند.

Participatory Budgeting بودجه‌بندی مشارکتی

فرایندی که با آن بخشی از بودجه برای شهروندان کنار گذاشته می‌شود تا هرگونه که بخواهند صرف شود. چنین فرایندی بر مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری می‌افزاید و همچنین بر پاسخگویی حکومت، همبستگی اجتماعی و افزودن بر خدمات کم‌هزینه.

Partisan حزبی

هرآنچه به یک حزب سیاسی مربوط می‌شود. انتخاباتی که حزب‌ها در آن شرکت داشته باشند به معنای آن است که وابستگی حزبی بخشی از رقابت است و می‌تواند در نتیجه آراء در نظر گرفته شود.

Partnership شریک شدن

درگیر شدن رسمی یا غیررسمی دو یا چند طرف، شامل سازمان‌های جامعه مدنی، حکومت و/

- نظارت بر انتخابات به صندوق می‌ریزند.
- Potential Supporter** **هوادر بالقوه**
کسی که امکان دارد از یک پیکار هواداری، یک سازمان شهروندی یا برنامه سیاسی پشتیبانی کند. به دنبال تحلیل وضعیت یا نقشه‌برداری از اجتماع طرح پیوندجویی با این شخص باید به اجرا درآید.
- Press Conference** **کنفرانس مطبوعاتی**
رخداد برنامه‌ریزی شده برای دعوت از مطبوعات تا از چندوچون پیکار یا قضیه‌ای خبردار شوند.
- Press Release** **خبررسانی مطبوعاتی**
اطلاعاتی که یک پیکار هواداری برای بازنمودن دیدگاه نامزدان درباره یک قضیه یا رویداد خاص برای رسانه‌ها فراهم می‌کند. خبررسانی‌های مطبوعاتی اغلب به صورت روایت خبر نوشته می‌شود.
- Print Media** **رسانه‌های چاپی**
رسانه چاپی آن بخش از رسانه‌های توده‌ای است که کلام نوشتاری و/یا عکس بی‌حرکت به کار می‌برد، مانند روزنامه و مجله، در برابر رسانه الکترونیک که کلام گفتاری و/یا پیام دیداری (ویدئو) می‌فرستد.
- Propaganda** **تبلیغات**
بخش ایده‌ها و اطلاعات برای نفوذ در دیدگاه‌ها و رفتار مردم یا شدت بخشیدن به برخیدیدگاه‌ها و رفتارها.
- Proportional Representation** **نمایندگی نسبی**
حضور نمایندگان احزاب در مجلس قانون‌گذاری به نسبت آرائی که در انتخابات به دست می‌آورند.
- Public** **عمومی / مردمی**
آنچه به مردم در کل مربوط باشد یا با آنان سروکار داشته باشد یا هر چه که باز باشد و پیش چشم عموم قرار داشته باشد.
- Public Action** **کنش مردمی**
یکی از تاکتیک‌هایی که به عنوان بخشی از پیکار هواداری به کار می‌رود و در آن یک رخداد عمومی سازمان داده می‌شود تا توجه مردم را به یک قضیه
- Political Culture** **فرهنگ سیاسی**
مجموعه نگره‌ها، باورها و انتظاراتی که جهت‌گیری خاصی را نسبت به جامعه در کل یا به‌ویژه نسبت به امور سیاسی پدید می‌آورند.
- Political Landscape** **چشم‌انداز سیاسی**
محیطی که قرار است پیکار در آن به راه انداخته شود، به‌ویژه از جهت مردمانی که در آن حوزه دست‌اندرکار امور سیاسی‌اند.
- Political Participation** **مشارکت سیاسی**
حق رأی برای همه مردان و زنان بالغ؛ حق تشکیل حزب سیاسی یا شرکت در فعالیت‌های آنها؛ حق شرکت در انتخابات آزاد، عادلانه با زمان‌بندی معین، برای انتخاب مجلس‌های قانون‌گذاری.
- Political Party** **حزب سیاسی**
گروهی از مردم با ایده‌ها یا هدف‌های یکسان که در فرصت‌های انتخاباتی برخی از اعضای آن به نامزدی برگزیده می‌شوند با این امید که برای سمتی انتخاب شوند.
- Political Power** **قدرت سیاسی**
ابزارها، امکانات نفوذ و وسائل وادار کردن - شامل اختیارات، پاداش‌دادن‌ها و تضمین‌ها - که یک صاحب قدرت برای رسیدن به خواسته‌های خود در اختیار دارد، به‌ویژه آنچه در اختیار حکومت مرکزی، حکومت ایالتی و سازمان‌های جامعه مدنی است.
- Political Rights** **حقوق سیاسی**
حقوق مردم برای شرکت در زندگی سیاسی اجتماع، مانند رأی دادن برای برگزیدن حکومت.
- Politician** **سیاستمدار**
کسی که از راه نفوذ سیاسی درگیر در تصمیم‌گیری‌های همگانی است. سیاستمدار اغلب کسی است که برای دست یافتن به سمتی می‌کوشد یا انتخاباتی را برده و هم‌اکنون در آن سمت است.
- Polling Place** **محل رأی‌گیری**
جایی که به صورت رسمی برای رأی‌گیری تعیین شده و رأی‌دهندگان رأی خود را زیر نظر مأموران

عنوان کمترین شماری که باید از آن گروه باشد، کرسی‌های در نظر گرفته شده در یک مجلس قانون‌گذاری و مانند آن را پر کنند.

جلب کند. چنین کنش‌هایی می‌تواند شامل رژه رفتن، تظاهرات، نمایش خیابانی و غیره باشد.

Public Funding/Public Financing

بودجه‌رسانی دولتی

پول‌هایی که حکومت برای جبران هزینه‌های انتخاباتی نامزدها و حزب‌های سیاسی می‌پردازد.

R

Racism

نژادباوری

دشمنی با نژادهای دیگر؛ سبزه‌گری با مردم نژادهای دیگر و داوری دشمنانه دربارهٔ ایشان.

Rally

میتینگ

جمع شدن سازمان‌یافته برای برانگیختن هیجان دربارهٔ خواسته یا آرمانی. پیکارهای سیاسی و هواداری اغلب برای پشتیبانی از کاندیداهای خود یا برپا کردن شور در هواداران خود، میتینگ به راه می‌اندازند. برپا کنندگان میتینگ کسانی را یک جا جمع می‌کنند که بر روی هم هواداران کنونی جنبش به شمار می‌آیند، اما با پوشش خبری‌ای که رسانه‌ها به میتینگ می‌دهند، جنبش می‌تواند در آراء دیگران نیز اثر گذارد. میتینگ‌ها را برای فراهم کردن پول (fundraising) نیز می‌توان برپا کرد.

Referendum

همه‌پرسی

فرایندی حقوقی که یک وضع پیشنهادی یا قانون محلی یا اصلاح قانون اساسی را برای پذیرش یا رد در اختیار رأی‌دهندگان می‌گذارد.

Reform

بهبودخواهی / اصلاح

تغییری که هدف آن با اصلاح خطاها، رفع بی‌نظمی‌ها و رفتارهای نادرست و جا انداختن ارزش‌ها و روش‌های نو، بهبود بخشیدن به سیستم کنونی است. بهبودخواهی انقلاب نیست، اما خواهان دگرگونی‌های فزاینده است. بهبودخواهی می‌تواند شامل درخواست نقش بزرگ‌تری برای گروه‌های کنارزده، مانند زنان و اقلیت‌ها باشد.

Representative

نماینده

کسی که برای نمایندگی خواسته‌های دیگران یا تصمیم‌گیری از جانب آنان نامزد یا انتخاب شده است. نماینده همچنین می‌تواند وکیل باشد که در مورد قضیه یا سیاست خاصی نمایندگی دارد.

Public Hearing

نشست عمومی

نشستی که در آن شهروندان دیدگاه‌های خود را نسبت به یک امر خاص با یک دستگاه دولتی در میان می‌گذارند.

Public Official

کارمند دولت

هر یک از کارگزاران یا مستخدمان دولت یا بنگاه‌های آن، شامل کسانی که برگزیده شده، گماشته شده یا انتخاب شده‌اند تا کارها و نقش‌هایی را در هر یک از مقام‌های دولتی به نام دولت یا در خدمت آن انجام دهند.

Public Opinion Research

افکارسنجی عمومی

به کار گرفتن گروه‌های نمونه (گروه کوچک پاسخگویان) و/یا پرس‌وجو برای گردآوری داده‌های کمی یا کیفیتی در مورد باورهای شهروندان برای ساختن و پرداختن سیاست‌ها و برنامه‌های پاسخگوی آنها.

Public Policy

سیاست عمومی

نتیجهٔ کنش‌ها و واکنش‌ها میان گروه‌ها و حزب‌ها دربارهٔ مسیری که در عمل باید در پیش گرفته شود. سرانجام حکومت و معمولاً قوهٔ قانون‌گذاری، این تصمیم‌ها را به صورت قانون در می‌آورند و به اجرا می‌گذارند و سازمان‌های جامعهٔ مدنی، کنشگران سیاسی و شهروندان جریان قانون‌گذاری و اجرا را دنبال می‌کنند.

Q

Quota

سهیمیه

شمار یا درصدی از یک جنسیت، گروه قومی، اقلیت یا مردم محروم که برای رعایت عدالت به

باورهای دیگر می‌کشد و می‌تواند به صورت کنش سیاسی بر ضد برخی گروه‌ها درآید.

Self-Determination خودگردانی

توانایی تصمیم‌گیری درباره زندگی و کردار خود بی‌اجبار؛ اراده آزاد؛ آزادی مردمان سرزمینی خاص برای تعیین وضع سیاسی خود؛ استقلال.

Service Learning خدمت‌آموزی

برنامه‌ای آموزشی که ارزش‌های مدنی را با آموزش و پرورش پیوند می‌زند. این برنامه چه بسا به عهده گرفتن خدمات اجتماعی را شرط دریافت مدرک آموزشی قرار می‌دهد.

Single-Party System نظام تک‌حزبی

در این نظام، به موجب قانون، تنها یک حزب سیاسی اجازه دارد که قدرت اثرگذار داشته باشد. اگرچه گاهی حزب‌های کوچک هم اجازه فعالیت دارند، اما وظیفه قانونی دارند که رهبری حزب مسلط را بپذیرند. در چنین نظامی اگرچه پیش می‌آید که مقام حزبی، در واقعیت، مهم‌تر از مقام حکومتی باشد، اما حزب و حکومت همیشه یکی نیستند.

Sit-in تحصن

شکلی از اعتراض که در آن مردم در جای خاصی (یک اداره، دادگاه و غیره) جمع می‌شوند و آنجا را ترک نمی‌کنند تا آنکه خواسته‌های آنان شنیده و/یا برآورده شود.

Slogan شعار

جمله کوتاهی است برای آنکه رأی‌دهندگان با آن پیکار انتخاباتی و نامزد آن را به خاطر آورند. شعار پیام نیست.

Sound Bite پیامک

در گزارش خبری تلویزیونی، گفته کوتاه چند ثانیه‌ای که ایده، انگاره یا برداشت خاصی را می‌رساند و می‌خواهد توجه بینندگان را به آن جلب کند.

Sovereignty فرمانفرمایی / حاکمیت

حق استقلال سیاسی و داشتن کنترل سیاسی و نظامی بر یک قلمرو کشوری بدون دخالت خارجی.

Representative Democracy

دموکراسی / مردم‌سالاری نمایندگی محور
نوع حکومتی که در آن شهروندان بالغ کشور با رأی خود رهبران کشور را انتخاب می‌کنند تا به نمایندگی از سوی آنان کار کنند. رهبران انتخاب شده در امور حکومتی تصمیم‌گیرنده‌اند.

Republic جمهوری

نظام سیاسی یا شکلی از حکومت که در آن مردم کسانی را انتخاب می‌کنند تا قدرت سیاسی را به نمایندگی از سوی آنان به کار برند.

Research پژوهش

در پیکار انتخاباتی، کل دانسته‌هایی که بر انتخابات اثرگذارند و می‌توان به آنها دست یافت، شامل اطلاعاتی درباره قوانین انتخاباتی، ناحیه، رأی‌دهندگان، انتخابات‌های گذشته، انتخابات کنونی، نامزدهای خودی و هر مخالف سرسخت. پژوهش نخستین گام برای هماهنگ کردن راهبرد (استراتژی) پیکار با نقشه آن است.

Resident مقیم

کسی که دوره طولانی در جای خاصی ساکن باشد یا در آن به دنیا آمده باشد.

Rule فرمانروایی

قدرتی که بر مردمانی حکومت یا سلطنت دارد یا دوران سلطنت یا حکومت یک شخص یا گروه. همچنین دلالت دارد بر کاربرد اقتدار یا داشتن کنترل.

Rule of Law حکومت قانون

نظام کشورداری که در آن هیچ‌کس بالاتر از قانون نیست، حتی حکومت. چنین نظامی وجود یک دستگاه قضایی مستقل، قوانین و نظام حقوقی شفاف بر پایه اخلاق و کاربرد بی‌طرفانه قوانین را می‌طلبد.



Sectarianism فرقه‌گرایی

سرسپردگی نیرومند و گراف به شکل خاصی از دین که اغلب کار آن به تعصب سرسختانه بر ضد

تکرار می‌کند. مخالفان اغلب می‌کوشند که پیکار را از پیام خود منحرف کنند.

Supporters هواداران

رأی‌دهندگان و کسان دیگری که پیکار مدنی آنان را مردمانی می‌شناسد که به نامزد یا حزب مورد نظر در انتخابات رأی خواهند داد.

SWOT (Strengths, Weaknesses, Opportunities, and Threats) Analysis تحلیل وضع

تحلیلی که کانون آن شناخت توانمندی‌ها، ناتوانی‌ها، فرصت‌ها و خطرهای محیط سیاسی پیرامون است. این تحلیل با شناساندن تنگناها و پشتوانه‌ها، سازمان یا پیکار مدنی را در کار برنامه‌ریزی راهبردها و فعالیت‌ها یاری می‌کند.

Syndicate سندیکا

سازمانی که به نمایندگی از اعضای خود - معمولاً کارگران یک زمینه خاص - از خواسته‌های ایشان پشتیبانی می‌کند. سندیکاها ممکن است وابستگی‌های حزبی نیز داشته باشند که در کوشش آنها برای نفوذ در قوه قانون‌گذاری اثربخش است.

T

Tactics تاکتیک

درگیری با روندی یا مجموعه‌ای از مانورها برای رسیدن به یک هدف اصلی یا غایت کوشش‌ها.

Target Audience پیام‌گیران برگزیده

شهروندانی که پیکار مدنی بر آن است که بیش از همه ممکن است با دریافت پیام پیکار به پشتیبانی از آن برانگیخته شوند. در میان آنان چه‌بسا کسانی باشند در مقامی که بتوانند با مسائل پیکار آشنا و رویارو شوند.

Think Tank مرکز اندیشه

مؤسسه‌ای طرح‌ریزی شده برای اجرای پژوهش درباره آنچه مردم نگران آن هستند و راه‌گشایی برای یافتن سیاست‌های پاسخگوی آن مسائل. این‌گونه سازمان‌ها، که بخشی از جامعه مدنی به شمار می‌آیند،

Speech سخنرانی

نکته‌های معمولاً از پیش آماده شده‌ای که به صورت شفاهی برای گروهی از مردم یا شمار بزرگی از شنوندگان بازگفته می‌شود.

Stakeholder بهره‌ور

فرد یا گروهی که در قضیه‌ای بهره‌وری، درگیری یا سرمایه‌گذاری مستقیم دارد. کارکنان، سهامداران و مشتریان یک شرکت تجاری از این شمارند.

Stakeholder Analysis تحلیل بهره‌وران

پژوهش درباره مسائل و دل‌بستگی‌های اعضای یک اجتماع که سیاستمداران یا گروه‌های مدنی قصد نفوذ در آن یا درگیر کردن آن در یک پیکار را دارند.

State کشور

سرزمینی در یک حوزه جغرافیایی خاص که مردمان آن در سایه یک قدرت سیاسی و قضایی مشترک زندگی می‌کنند.

Strategic Planning

برنامه‌ریزی راهبردی / استراتژیک

جلسه یا سلسله‌ای از جلسه‌های کوتاه‌مدت که سازمان‌های مدنی یا یک ائتلاف، همراه با مشاوران اصلی آنها، برای جمع‌آوری اطلاعات لازم و تعیین راهبرد کلی پیکار تشکیل می‌دهند. این راهبرد می‌باید به صورت نقشه پیکار هواداری ثبت شود.

Strategy راهبرد / استراتژی

رهیافتی که در نقشه پیکار ثبت شده و چگونگی کارهای پیکار هواداری از آغاز تا پایان در آن گنجانده شده است.

Statute آئین‌نامه

متنی که در آن اصول راهنمای سازمان مدنی، آئین رفتار در آن، روال به کار گرفتن افراد و رسیدگی به شکایت‌های آنها جزء به جزء شرح داده شده است.

Stay on Message پی‌گیری پیام

هنگامی است که یک نامزد یا پیکار مدنی یک پیام یا مضمون را پیوسته و در هر فرصتی می‌رساند و

Unconstitutional ناساز با قانون اساسی
چیزی که اصول قانون اساسی آن را روا نشمرده یا
خلاف آن اصول باشد.

هم حکومت و هم شهروندان را از چندوچون
روندهای سیاسی و مدنی در جامعه با خبر می‌کنند.

Time زمان

یکی از سه منبعی که در اختیار هر پیکار هواداری
هست. دو منبع دیگر، یکی مردم است و دیگری پول.
مهم است بدانیم که هر کوشش پیکاری چه اندازه
زمان می‌برد و برای آن برنامه‌ریزی کنیم. بر خلاف
دو منبع دیگر، زمان منبعی است که اگر از دست برود
به آسانی بازیافتنی نیست.

Union اتحادیه

سازمانی از کارگران برای پیشبرد هدف‌های
مشترک در مورد مسائلی مانند مزدها، ساعت کار
و شرایط کاری. اگرچه ساختار سیاسی اتحادیه‌ها
گونگون است، رهبری اتحادیه‌ها معمولاً با انتخابات
دموکراتیک تشکیل می‌شود. اتحادیه‌ها، به ویژه آنها
که در سراسر کشور شاخه‌هایی دارند، می‌توانند
در انتخابات‌های محلی و ملی اثرگذار باشند. اغلب
نامزدان در جلب نظر اتحادیه‌ها می‌کوشند، مگر آنکه
اعضای اتحادیه کسی را به صورت رسمی به عنوان
نامزد برگزیده خود اعلام کرده باشد.

Tolerance رواداری

انصاف داشتن نسبت به مردمی که دیدگاه‌های
دیگری دارند. در زبان اصطلاحات سیاسی با برجسته
کردن این مفهوم اغلب می‌خواهند که گروه‌های
بهره‌ور سیاسی از طیف‌های گوناگون با یکدیگر بر
پایه حس برابری رویارو شوند.

V

Values ارزش‌ها

بالادست‌ترین چیزها برای یک شهروند، یک
سازمان جامعه مدنی یا در فرهنگ مؤسسين
یک پیکار، شامل آنچه برای اعضای پیکار نیز
بالادست‌ترین چیزها شمرده می‌شود و انگیزه واقعی
کردار آنان است.

Town Hall Meeting دیدار همگانی

گرد آوردن شهروندان یک ناحیه یا کسانی که
دل‌بستگی‌های مشترک دارند برای دیدار با مأموران
دولتی برای بحث درباره موضوع‌های از پیش تعیین
شده و بیان دیدگاه‌ها.

Vision بینش

شرح روشنی از نوع تغییری که یک سازمان جامعه
مدنی یا پیکار هواداری می‌خواهد به آن برسد. بیانیه
بازگویی بینش جنبش هم برای برانگیختن اعضا است
و هم برای جلب پشتیبانان تازه برای هدف آن.

Transparency شفافیت

در زندگی سیاسی و مدنی، شفافیت در برابر
محرمانگی قرار دارد. فعالیتی شفاف و آشکار شمرده
می‌شود که تمامی اطلاعات مربوط به آن آزادانه
دسترس‌پذیر باشد. شفافیت به این معناست که
شهروندان باید بتوانند ببینند و به دقت بدانند که چه
می‌گذرد هنگامی که کارگزاران دولت، سازمان‌های
جامعه مدنی یا کنشگران پیکار در کار داد و ستد
با یکدیگرند. مفهوم شفافیت، به روشنی یا پوشیده،
اغلب در کانون پیکار هواداری مدنی برای اصلاح
حکومت قرار دارد.

Volunteer داوطلب

پشتیبان یک پیکار یا قضیه که بخشی از وقت خود
را بدون دریافت مزد صرف آن می‌کند.

Volunteer Recruitment داوطلب‌پذیری

یکی از روندهای اساسی و پیگیر در هر سازمان
یا پیکار مدنی. داوطلب‌پذیری به هر شهروند این
فرصت را می‌دهد تا به صدای بلند از سیاست‌ها یا
ابتکارهای خاص پشتیبانی کند و همچنین نیروی
انسانی کوشایی برای یک پیکار یا سازمان باشد.

U

Unbiased بی‌سویه

رفتار یا گفتار عینی‌نگر، خالی از ستایش یا
سرزنش.

<p>Voter Education آگاه کردن رأی‌دهنده</p> <p>رساندن اطلاعات لازم به مردم برای شرکت در روند انتخابات همراه با بالا بردن آگاهی و اعتماد به نفس شهروندان درباره شرکت در این روند.</p>	<p>Vote رأی</p> <p>انتخابی از یک حزب، نامزد یا مورد با ریختن یک ورقه در صندوق در یک انتخابات یا همه‌پرسی. نمایندگان مجلس نیز در جریان تعیین سیاست‌ها همین کار را می‌کنند.</p>
<p>Voter Registration نام‌نویسی رأی‌دهنده</p> <p>کنش یا جریان ثبت‌نام یک شهروند برای رأی دادن.</p>	<p>Voter رأی‌دهنده</p> <p>کسی که شرایط پایه‌ای رأی دادن در یک انتخابات محلی، منطقه‌ای یا ملی را دارد.</p>

